



**تغییرات اجتماعی
در اندیشه
سید جمال الدین اسدآبادی**

مجید کافی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
تابستان ۱۳۹۰

کافی، مجید، ۱۳۴۴ -

تغییرات اجتماعی در اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی / مجید کافی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.

ده، ۱۵۸ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۸۱. علوم اجتماعی؛ ۱۹).

ISBN: 978-600-5486-41-4

بهاء: ۲۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. [۱۳۹] - ۱۴۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. جمال‌الدین اسدآبادی، ۱۲۵۴-۱۳۱۴ق. - نظریه‌های سیاسی و اجتماعی. ۲. جمال‌الدین اسدآبادی، ۱۲۵۴-۱۳۱۴ق. - نقد و تفسیر. ۳. روشنفکران دینی - ایران. ۴. ایران - تاریخ - انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴-۱۳۲۷ق. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۲۹۷/۹۹۸

BP ۲۳۳ / ۷ / ج ۸ ک ۲ ۱۳۸۹

۲۰۴۳۹۱۲

شماره کتابشناسی ملی



تغییرات اجتماعی در اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی

تألیف: مجید کافی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۱۸۱؛ علوم اجتماعی: ۱۹)

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ دوم: تابستان ۱۳۹۰ (چاپ اول: تابستان ۱۳۸۹)

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - چاپ سبحان

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵۱-۲۱۱۱۱ (انتشارات ۲۱۱۱۳۰۰)، نمابر: ۰۲۸۰۳۰۹۰
ص. پ. ۳۷۱۸۵، ۳۱۵۱ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۶۶۴۰۲۶۰۰ و ۰۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می‌شود با پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مؤلف محترم آقای مجید کافی و همچنین تمامی سرورانی که در مراحل مختلف تحقیق و تدوین این کتاب، به گونه‌ای سهیم بوده و به غنای آن افزوده‌اند، به ویژه ناظر محترم حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر غلامرضا صدیق اورعی، سپاسگزاری و تشکر کند.

فهرست مطالب

پیشگفتار	نُه
فصل اول: کلیات	۱
مسئله سید جمال	۲
ضرورت بررسی اندیشه‌های اجتماعی سید	۴
جایگاه سید جمال در اندیشه اسلامی معاصر	۵
فصل دوم: روش تحقیق، چارچوب نظری و مدل تحلیل	۹
روش تحقیق	۹
چارچوب نظری	۱۲
انحطاط اجتماعی	۱۶
انسان‌شناسی	۱۷
نظریه تکامل	۱۹
مدل تحلیل در تحقیق	۲۱
مدل تحلیل اسپریگنز	۲۳
۱. بحران و مشاهده بی‌نظمی	۲۳
۲. دلایل بحران‌ها و بی‌نظمی	۲۴
۳. تجویزها و راه درمان	۲۶
۴. جامعه بازسازی شده (مطلوب)	۲۸
جمع‌بندی	۳۲

۳۵	فصل سوم: شخصیت، روش، آرمان و آثار سید جمال‌الدین اسدآبادی
۳۵	شخصیت سید جمال‌الدین اسدآبادی
۳۷	ویژگی‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی
۳۹	عمل‌گرایی
۴۱	گرایش رادیکال سید جمال
۴۲	روش‌شناسی سید جمال
۴۳	بهرمندی از روش و حیانی (کتاب و سنت)
۴۴	اجتهاد و عقل‌گروی
۴۴	استفاده از علوم جدید و تجربه
۴۶	آرمان سید
۴۶	اصلاحات سیاسی - اجتماعی
۴۷	۱. اصلاح سیاسی (اصلاح از بالای هرم اجتماعی)
۴۷	۲. اصلاح فرهنگی و تربیتی (اصلاح از پایین هرم اجتماعی)
۴۸	تغییر از بالا
۵۰	اصلاح‌گری دینی - اجتماعی
۵۱	نقد و بررسی آرمان‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی
۵۲	آثار سید جمال
۵۷	فصل چهارم: آسیب‌های جامعه اسلامی
۵۸	بحران‌ها و مسائل جامعه
۵۹	۱. مسائل فرهنگی و ایدئولوژیک
۵۹	تهاجم فرهنگی غرب
۶۰	غرب‌گرایی
۶۲	جهالت و بی‌خبری مسلمانان و عقب ماندن آنان از کاروان علم و تمدن
۶۲	نفوذ اندیشه مادی در اندیشه دینی
۶۳	رواج صوفی‌گری
۶۴	باور به جبر (جبرگروی)
۶۵	ناسازگاری دین و دنیا
۶۵	۲. مسائل سیاسی
۶۵	استبداد

بی عدالتی	۶۸
۳. مسائل جامعه اسلامی	۶۸
انحرافات اجتماعی	۶۸
اختلاف میان مسلمانان (تفرقه)	۷۱
جدایی دین از سیاست	۷۱
نتیجه گیری	۷۲
فصل پنجم: ریشه مسائل و آسیب های اجتماعی	۷۵
علل درونی انحطاط جوامع اسلامی	۷۷
علل فرهنگی	۷۷
علل سیاسی	۸۳
علل اجتماعی	۸۴
علل بیرونی انحطاط جوامع اسلامی	۸۵
خلاصه و نتیجه	۸۷
فصل ششم: راهکارهای اصلاح جامعه	۹۱
۱. اعتماد به دین اسلام	۹۲
۲. آزادی	۹۳
۳. تشکیل جبهه اتحاد اسلامی	۹۴
۴. مبارزه (جهاد)	۹۵
۵. جامعه پذیری	۹۸
۶. اصلاح بینش ها و باورها (بازگشت به اسلام نخستین)	۱۰۱
۷. بومی سازی علوم و فنون جدید	۱۰۲
۸. آگاهی سیاسی	۱۰۵
۹. همبستگی اجتماعی	۱۰۵
۱۰. اجتهاد	۱۱۴
۱۱. توسعه این جهانی	۱۱۶
نتیجه گیری	۱۱۷
فصل هفتم: جامعه بازسازی شده (مطلوب)	۱۱۹
احیای فکر دینی و تغییرات اجتماعی	۱۲۰
نظریه سید جمال	۱۲۲

۱۲۳	مراحل اساسی احیای فکر دینی
۱۲۳	۱. تفسیر مجدد مفاهیم اسلامی
۱۲۴	۲. استخراج احکام فراموش شده
۱۲۵	۳. ایجاد سازگاری میان اسلام و مقتضیات عصر جدید
۱۲۵	ویژگی‌های جامعه مطلوب
۱۲۶	۱. حیا
۱۲۶	۲. امانت
۱۲۷	۳. صداقت
۱۲۷	۴. عدالت اجتماعی
۱۲۸	۵. حکومت دینی
۱۲۹	حکومت اسلامی
۱۳۰	۶. استقلال
۱۳۰	۷. وحدت اسلامی و پان‌اسلامیسم
۱۳۲	نتیجه
۱۳۴	فصل هشتم: خاتمه
۱۳۹	منابع و مأخذ
۱۴۳	نمایه‌ها
۱۴۳	نمایه اعلام و اماکن
۱۴۶	نمایه موضوعات

پیشگفتار

بررسی تغییرات اجتماعی بر اساس نظریه اجتماعی هر اندیشمندی امری ضروری است. بسیاری از تغییرات اجتماعی در نظریه‌های اندیشمندان مسلمان، از جمله سید جمال‌الدین اسدآبادی، با تغییر در آرمان‌های فردی و اجتماعی تحلیل می‌شوند. بر اساس این تحلیل‌ها، تغییرات اجتماعی تغییراتی در آرمان‌ها هستند، یعنی تغییراتی هستند که در آرمان انسان‌ها به سبب تغییر در اندیشه و اراده آنها به وجود آمده است. افزون بر این، عامل حرکت تاریخ طبق این رویکرد، همان تغییر محتوای درونی انسان، یعنی اندیشه و اراده اوست.

اگر آرمان ارتباط انسان با دیگران و با خدا محافظه‌کارانه بوده و بر اساس عادت، خواست ستمگران و شهوت انسان شکل گرفته باشد، اعضای جامعه باید بر اساس ارزش‌های دینی، در اوضاع اجتماعی دست برند، و بکوشند جامعه و نظام آن را دگرگون سازند. به همین دلیل دین عنصر سودمند و ضروری زندگی اجتماعی است. این همان کاری است که سید جمال‌الدین در صدد انجام آن بود.

البته باید به این نکته نیز توجه داشت که در این نوع تحلیل‌ها، هر نوع دگرگونی و تغییر، سبب از هم‌گسیختگی اجتماعی نمی‌شود. دگرگونی‌ای سبب از هم‌گسیختگی و اختلال اجتماعی می‌شود که در راستای آرمان‌های اجتماعی نباشد. این نوع تغییرات به‌طور مسلم، نه تنها برای جامعه و عناصر سازنده‌اش، بلکه برای افراد جامعه نیز یک نوع تهدید است. در این صورت اگر نهادهای اجتماعی دستخوش از هم‌گسیختگی شوند، مردم به احتمال زیاد آسیب خواهند دید و آسیب دیدن مردم نیز نابسامانی اجتماعی به بار خواهد آورد. این جستار در صدد بوده است این فرآیند را در اندیشه سید جمال‌الدین بازشناسی و فرمول‌بندی کند.

کتابی که اکنون پیش روی شماست در هشت فصل تنظیم شده است؛ فصل اول که در کلیات موضوع بحث است، به ضرورت بررسی اندیشه‌های اجتماعی اندیشمندان مسلمان از جمله سید جمال اختصاص یافته است. فصل دوم مدل چهارجانبه تغییرات سیاسی توماس اسپریگنز را معرفی می‌کند، که به عنوان مدل بررسی این جستار نیز برگزیده شده است. فصل سوم، به بررسی شخصیت، روش، آرمان و معرفی آثار سید جمال می‌پردازد. فصل چهارم، به بررسی اولین جزء مدل اسپریگنز در اندیشه سید جمال، یعنی آسیب‌های جامعه اسلامی؛ فصل پنجم نیز به ریشه مسائل و آسیب‌های اجتماعی؛ فصل ششم به راهکارهای اصلاح جامعه و سرانجام فصل هفتم به جامعه مطلوب و بازسازی شده از نظر سید جمال‌الدین اختصاص یافته است. در پایان کتاب نیز فصل هشتم به عنوان جمع‌بندی و خاتمه بحث تقدیم شده است.

در ارائه بازشناسی و فرمول‌بندی اندیشه تغییر اجتماعی در اندیشه سید جمال‌الدین مرهون یاری و کمک فکری استادان فرهیخته و دوستان بسیاری هستم که جای دارد از یکایک آنان تقدیر و تشکر کنم. بر خود فرض می‌دانم که نخست از استادان دکتر غلامرضا صدیق اورعی و دکتر علیرضا شجاعی زند صمیمانه سپاسگزاری کنم که دلسوزانه در مراحل تحقیق مرا با پیشنهادهای ارزنده خود رهنمون شدند.

سپس باید از همه کسانی که به شکلی در به ثمر نشستن این اثر سهیم بوده‌اند، قدردانی کنم. هرگز نمی‌توان از پشتیبانی سازمانی و معنوی جناب حجت‌الاسلام والمسلمین اعرافی، رئیس پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و جناب حجت‌الاسلام والمسلمین محمود رجبی، مدیر سابق گروه علوم اجتماعی پژوهشگاه چشم پوشید. سرانجام از بخش‌های مختلف پژوهشگاه حوزه و دانشگاه سپاسگزارم که بدون تلاش‌های صادقانه آنان این کار به سرانجام نمی‌رسید: کارشناسان مختلف پژوهشگاه، به‌ویژه کارشناس گروه، آقای حسن نصراللهی، آقای ابوالفضل احمدی و همکارانشان در بخش کتابخانه پژوهشگاه، جناب حجت‌الاسلام سعیدرضا علی‌عسکری و همکارانشان در بخش آماده‌سازی و ویرایش، آقای سید حسین مرتضوی و همکارانشان در بخش چاپ و دیگرنی که ممکن است از کارشان یا نامشان غفلت کرده باشم.

در پایان امیدوارم کتابی که فراهم شده است، زمینه‌ساز تحقیقات جدی‌تر، ژرف‌تر و جدیدتر بعدی شود. همچنین منبعی باشد برای آموزش و تحقیق دانشجویان رشته جامعه‌شناسی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد. سرانجام چشم به راه نقادی‌های مشفقانه استادان و محققان ارجمند هستم.

فصل اول

کلیات

تاریخ اندیشه اجتماعی انسان به اندازه خود حیات و زندگی انسان، طولانی است. به سخن دیگر، یکی از مسائلی که ذهن انسان را به خود مشغول کرده، مسئله زندگی اجتماعی است؛ از این رو، در همه فرهنگ‌ها، اعم از غربی و شرقی، متفکرانی وجود داشته و دارند که دلمشغول مسئله زندگی جمعی انسانی بوده و هستند. به بیان دیگر، در هر زمانی در آثار اندیشمندانی که جامعه‌شناس نیستند، نظریاتی درباره زندگی اجتماعی انسان و مسائل آن یافت می‌شود، اما باید یادآور شد که اندیشه‌های علم جامعه‌شناسی، بدون ارتباط با اندیشیدن درباره زندگی اجتماعی، شکل نگرفته است.

این اندیشه‌ها و دلمشغولی‌ها در باب زندگی جمعی تا به امروز به سه نوع معرفت، یعنی: فلسفه اجتماعی، اندیشه اجتماعی و جامعه‌شناسی (علم تجربی پدیده‌های اجتماعی) انجامیده است، اما باید توجه داشت که شکل‌گیری علم نوین جامعه‌شناسی، بدون اندیشه طولانی انسان درباره زندگی اجتماعی، ناشدنی است؛ از این رو، شناخت یک علم بدون آگاهی از تاریخ آن علم و اندیشه متفکرانی که در شکل‌گیری آن سهیم بوده‌اند، ناممکن است.

متفکران و جامعه‌شناسان غربی در پیشینه علم جامعه‌شناسی، اغلب از متفکران و اندیشمندان شرقی، به‌ویژه مسلمان یاد نمی‌کنند، در صورتی که در هر فرهنگی، متفکرانی بوده و هستند که درباره جامعه و پدیده‌ها و زندگی اجتماعی انسان، اندیشیده‌اند.

در جوامع شیعی نیز اندیشمندانی یافت می‌شوند که در این عرصه، قلم‌فرسایی یا صحنه‌گردانی کرده‌اند. فعالیت‌ها و آثار اندیشمندان شیعی که به‌ویژه در دو قرن گذشته،

دغدغه و ذهن‌مشغولی شناخت مسائل و پدیده‌های جامعه اسلامی، به‌خصوص مسائل سیاسی آن را در سر داشته‌اند، سه مرحله اساسی را به وجود آورده است:

۱. **مرحله بیداری:** در این مرحله که می‌توان از آن به مرحله بیداری جوامع اسلامی یاد کرد، مسلمانان شروع به بیدار شدن از خوابی کردند که چندین قرن بود در آن فرو رفته بودند. در این مرحله، جوامع اسلامی، حیات تازه‌ای را آغاز کرد و پس از آن بی‌خبری و تأخیر، نخستین گام‌های هشیاری را برداشت. سید جمال و عبده^۱ از مهم‌ترین پیشگامان و رهبران این مرحله بودند.

۲. **مرحله بلوغ فکری جوامع اسلامی:** این مرحله، مرحله شکل‌دهی به اندیشه اجتماعی - سیاسی مسلمانان است، بدان‌گونه که امکان پایداری و استقامت در برابر تمام مکتب‌های مادی و از جمله مهم‌ترین آنها، یعنی کمونیسم، سوسیالیسم، و کاپیتالیسم را به مسلمانان آموخت و به آنان فرصت داد تا در پرتو اصول و مفاهیم اسلامی، به بازسازی خود پردازند. این مرحله در تاریخ خیزش اسلامی، اهمیت ویژه‌ای دارد. متفکران این مرحله، مهندس بازرگان، دکتر شریعتی، علامه طباطبایی، شهید مطهری، و شهید صدر بودند.

۳. **مرحله انقلاب و تشکیل حکومت:** این مرحله، مرحله حضور واقعی مسلمانان در صحنه و تجدید حیات همه‌جانبه و تمام‌عیار آن و نیز مرحله پایه‌گذاری و بنیان حکومت نوین اسلامی است که با پیشرفت‌های معاصر و با نیازهای روز مسلمانان، هماهنگ است. طلابه‌دار این مرحله و رهبر اصلی آن، حضرت امام خمینی علیه السلام بود.

مسئله سید جمال

مسئله در این پژوهش آن است که جامعه موجود زمان سید جمال که با نابسامانی‌های اجتماعی و سیاسی که سید جمال آن را یک وضعیت نامطلوب می‌داند و از آن انتقاد می‌کند، نیازمند نوعی مداخله و اصلاح یا بهبود است. این وضعیت نامطلوب برای سید جمال با بینش سیاسی و اجتماعی خاص خود، معمایی است که باید حل شود، یعنی باید اوضاع و احوال جامعه آن زمان، عوامل آسیب‌زا، راهکارها و تصویر جامعه

۱. شیخ محمد عبده، هر چند شیعه نیست، ولی در راستای شکل‌گیری نهضت‌های شیعی در قرن اخیر، بی‌تأثیر نبوده است.

مطلوب در یک مدل و نظریه جدید و کلاسیک، به طور روشن، درک و تبیین شود؛ از این رو، هدف این مطالعه آن است که معما و مسئله سید جمال الدین اسدآبادی، در مدل چهارجانبه توماس اسپریگنز، بازسازی و جستجو شود که در آن مدل، مسائل و آسیب‌های جامعه معاصر سید جمال الدین اسدآبادی، عوامل و علل آن مسائل، راهکارهای حل آن مسائل و سرانجام، طرح و ترسیم جامعه و وضعیت مطلوب در نظر وی، به خوبی از یکدیگر تفکیک می‌گردد.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان پرسش‌های تحقیق را چنین طرح کرد:

– سید جمال، انحطاط، انحرافات و آسیب‌های اجتماعی جوامع اسلامی را چگونه تبیین می‌کند؟

– عوامل انحطاط و تغییرات اجتماعی در نگاه سید جمال کدام‌اند؟

– عامل مسلط انحطاط و تغییرات اجتماعی جوامع اسلامی در اندیشه سید جمال چیست؟

– سید جمال، انحطاط و تغییرات اجتماعی را در چه مقوله‌ای (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی) مورد بحث قرار می‌دهد؟

– آیا سید جمال، بحث انحطاط و تغییرات را تئوریزه کرده است؟

– آیا نظریه سید جمال، پایایی تبیین انحطاط و تغییرات اجتماعی دیگر جوامع، به خصوص جوامع اسلامی معاصر را دارد؟

– آیا سید برای جلوگیری از انحطاط و ایجاد تغییرات اجتماعی، راه‌حلی ارائه می‌دهد؟

– راهکار تغییر و اصلاح جامعه چیست و برای دستیابی به هدف‌های اصلاحی و تغییر اجتماعی باید چه راه‌هایی را انتخاب کرد؟

این جستار، درصدد یافتن پاسخ این پرسش‌ها در آثار و آرای سید جمال الدین اسدآبادی، مطابق مدل تغییرات سیاسی توماس اسپریگنز است؛ البته با این پیش‌فرض که سید جمال الدین به عنوان یک مصلح اجتماعی که به دنبال علل مهم انحطاط جامعه اسلامی و تلاش برای تغییر وضعیت آن بوده، باید تصویری از جامعه و چگونگی دگرگونی آن در ذهن داشته و آن را در آثار خود بیان کرده باشد.

ضرورت بررسی اندیشه‌های اجتماعی سید

شایسته است کسانی که دلمشغول بومی سازی علوم هستند، به ارائه تفکر اجتماعی متفکران، اعم از معاصر و گذشته با غور در آثار، فرهنگ، جامعه و تاریخ آنان در هر سه مرحله پیش‌گفته پردازند؛ از همین رو، طرح «اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان معاصر» به‌طور عام و تغییرات اجتماعی در آنها، به‌طور خاص، درصدد چنین هدفی است، هر چند این جستار تنها درصدد ارائه چارچوبی تحلیلی، در باب تغییرات اجتماعی در اندیشه‌های سید جمال است.

افزون بر این، در برنامه رسمی آموزش آکادمیک جامعه‌شناسی، درسی با عنوان «تاریخ جامعه‌شناسی» و در مواردی با عنوان «تاریخ تفکر اجتماعی» وجود دارد. در بیشتر کتاب‌های مبانی جامعه‌شناسی یا تاریخ جامعه‌شناسی از اندیشه‌های افلاطون و ارسطو درباره زندگی اجتماعی انسان و مسائل آن، بحث می‌شود، در حالی که همگان، آغاز علم تجربی جامعه‌شناسی را در قرن‌های اخیر می‌دانند و این سیره علمی جامعه‌شناسان، بر اهمیت نقش اندیشه‌های ما قبل علمی، در فهم جامعه‌شناسی، دلالت دارد. بر این اساس، یکی از زمینه‌های لازم برای دانش‌پژوهان علوم اجتماعی در جوامع اسلامی و از جمله ایران، مطالعه و بررسی تفکرات اجتماعی دانشمندان مسلمان است. در حال حاضر، تفکر اجتماعی مسلمانان در دوره کارشناسی علوم اجتماعی، با عنوان «تفکر اجتماعی در اسلام» و نیز «اندیشه اجتماعی در ادبیات فارسی» ارائه می‌شود. این موضوع در دوره کارشناسی ارشد نیز با عنوان «اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان» تدریس می‌شود؛ از این رو، بررسی تفکرات اجتماعی اندیشمندان مسلمان از جمله سید جمال‌الدین اسدآبادی، کاری آکادمیک، زمینه‌ساز و ارائه‌دهنده طرح درس این دروس است.

افزون بر دو مورد یاد شده در اهمیت شناخت تفکر اجتماعی مسلمانان، شناخت تفکر اجتماعی سید جمال درباره تغییر جامعه، اهمیت بسزایی دارد. پژوهنده علوم اجتماعی در ایران، که محل تحقق بسیاری از ایده‌ها و روش‌های اجتماعی وی بوده است، باید به این امر توجه بیشتری داشته باشد، که این توجه در شناخت ساخت اجتماعی کنونی جامعه ایران، عاملی مؤثر است.

در این جستار، تلاش شده تا با مراجعه مستقیم به آثار و تألیفات سید جمال‌الدین اسدآبادی، مناسب‌ترین رویکرد جامع‌شناختی درباب اندیشه تغییر در آرای سید جمال انتخاب شده و نوعی بازسازی مفهومی از اندیشه‌های اجتماعی او صورت پذیرد. به‌طور خلاصه، از آنجا که سید جمال، ضمن احاطه بر فلسفه، اصول و فقه، نخستین عالم و اندیشمند اسلامی است که در دوره مدرن (تجدد)، به احیای اندیشه اسلامی و اصلاح جامعه اسلامی پرداخته، بررسی اندیشه‌های اجتماعی وی، برای دانش‌پژوه علوم اجتماعی در کشورهای اسلامی، به‌ویژه ایران، امری ضروری است، به‌خصوص که سید جمال، افزون بر علوم پیش‌گفته نسبت به ایدئولوژی‌ها، نهضت‌ها، مکاتب فلسفی غرب، جغرافیای جهان و تحولات اجتماعی جهان معاصر خود، شناخت خوبی داشته و درباره آنها از دیدگاه یک عالم اسلامی، ابراز عقیده کرده است؛ لذا، اندیشه‌های اجتماعی سید جمال نسبت به بسیاری از متفکران مسلمان غنی‌تر و در عین حال اصیل‌تر است.

این تحقیق از آنجا که تحقیقی بنیادی است، دارای اهداف ذیل است:

۱. **اکتشاف:** هدف اکتشافی در این تحقیق، همان فهم اولیه از وضعیت اجتماعی جوامع اسلامی زمان سید جمال‌الدین اسدآبادی است.
۲. **توصیف:** بعد از آن در پی ارائه شرحی کامل و دقیق و گزارشی از وضعیت جوامع اسلامی و مسلمانان و دلایل انحطاط و زوال جامعه اسلامی است.
۳. **تبیین:** این تحقیق درصدد است عناصر، عوامل و مکانیسم‌های دخیل در ایجاد انحطاط جوامع اسلامی در اندیشه سید جمال را نشان دهد.
۴. **فهم:** سرانجام می‌کوشیم دلایل کنش اجتماعی مسلمانان در زمان سید جمال و از منظر وی را دریابیم.

جایگاه سید جمال در اندیشه اسلامی معاصر

بسیاری از آثار که در باب اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی انتشار یافته، در مورد احیای و جنبش بیدارگری اسلامی وی است، اما آثار اندکی که به اندیشه‌های اجتماعی سید پرداخته‌اند، به دو دسته تقسیم می‌شوند: نخست آثاری که به‌طور کامل در

باب اندیشه‌های سیاسی یا اجتماعی سید نوشته شده‌اند، و دوم پاره‌ای از آثار متأخر در باب اندیشه سیاسی - اجتماعی جهان اسلام که به تناسب، چند صفحه‌ای را نیز به بررسی اندیشه‌های اجتماعی سید جمال اختصاص داده‌اند؛ ما نیز در ادامه به بررسی این دو دسته آثار می‌پردازیم.

۱-۱. یک اثر که با چارچوبی نظری و با نگرشی تحلیلی به اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی سید جمال نظر افکنده، درآمدی بر جامعه‌شناسی دین (اصلاح‌گرایی دینی سید جمال‌الدین)، نوشته آقای محمد قلی‌پور است که ما نیز در تدوین این جستار از آن بهره برده‌ایم. آنچه در این کتاب ارائه شده، روشی است که از سوی جامعه‌شناسان به «تحلیل ساختار» تعبیر می‌شود. در این کتاب سعی شده اندیشه سید جمال به مثابه یک ساختار عموماً متجانس معرفی شود. کسی که در پی اصلاحگری در میانه دو رویکرد خرافه‌زدایی از ساحت دین و مدرنیته واقع شده است. بی‌شک با استفاده از روش و ابزارهای علمی دیگری همچون پدیدارشناسی، هرمنوتیک و همچنین روش‌های متداول تاریخی نیز می‌توان به مطالعه اندیشه سید جمال پرداخت، ولی از آنجا که سید جمال را نه می‌توان از اندیشه حاکم بر دوران مبارزاتی‌اش جدا ساخت و نه به او به عنوان فردی جدا از تعلقات خاطرش نگریست، روش مطالعه‌ای که مبتنی بر سنخ‌شناسی همراه با تحلیل ساختاری است، در این کتاب ارائه شده است. این نوع سنخ‌شناسی، به مؤلف کتاب فرصت داده تا چارچوب از پیش تعیین شده‌ای در دست داشته باشد.

۲-۱. اثر دیگری که در تدوین این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته و جزء پیشینه تحقیق قرار می‌گیرد، سید جمال‌الدین و اندیشه‌های او، اثر مرتضی مدرس است. نویسنده در این اثر، ضمن اینکه خوانندگان را با زندگی و فلسفه اجتماعی و سیاسی سید آشنا می‌کند، آنان را درباره اعمال و افکار سید جمال و عکس‌العمل‌های متقابل آن و همچنین اوضاع سیاسی، باورها و عقاید دینی، نقص‌های اجتماعی و احوال آن عصر در آسیا و اروپا و آفریقا به وسیله یک سلسله معلومات آشنا می‌سازد. گفتنی است، از آنجا که این مجموعه به صورت مجموعه مقالات تدوین شده است، فاقد هرگونه طرح نظری تحقیق است و به همین دلیل از طرح تحقیقی ما فاصله می‌گیرد.

۳-۱. زندگی و مبارزات سید جمال‌الدین اسدآبادی، کتابی است که نتیجه تحقیقات آقای سیروس جمالی می‌باشد. از آنجا که این اثر، اثری تحقیقی است و به پاره‌ای از پرسش‌ها و شبهات در مورد سید جمال پاسخ می‌دهد، بسیار مفید است.

۴-۱. زندگانی و سفرهای سید جمال‌الدین اسدآبادی، اثر دکتر علی‌اصغر چلبی. این کتاب، افزون بر بیان شرح حال و زندگی سید جمال، به نقد اندیشه و معروف‌ترین کتاب او رساله نیچریه و شرح و تصحیح آن پرداخته است.

۵-۱. سید جمال‌الدین اسدآبادی مصلحی متفکر و سیاستمدار، اثر سید احمد موثقی. از این اثر نیز در تحقیق خود سود جسته‌ام.

اما دسته دوم آثار استفاده شده عبارت است از:

۱-۲. اثری که بخشی از آن با نگرش و رویکردی اجتماعی یا سیاسی به افکار و اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی پرداخته است، سیری در اندیشه سیاسی عرب، اثر حمید عنایت است. موضوع این کتاب، بررسی و سنجش اندیشه‌هایی است که زمینه جنبش سیاسی ملت‌های عرب را در زمان معاصر فراهم آورده است. روش اساسی عنایت در این کتاب، بررسی اندیشه‌های سید، با اشاره‌هایی به زمینه اجتماعی و سیاسی مسائل است، نه نقد آنها. اولین مورد بررسی شده در بخش سوم این اثر، با عنوان «تجدد فکر دینی»، به شخصیت و اندیشه‌های سید جمال مربوط است. ما نیز در این پژوهش از این کتاب، بهره‌های بسیار برده‌ایم.

۲-۲. پیشگامان مسلمان تجددگرایی در عصر جدید، اثر احمد امین نیز، کتاب دیگری است که می‌توان آن را به عنوان پیشینه تحقیق معرفی کرد. این کتاب، به منظور بیداری و بیدارگری مسلمانان و به‌ویژه جوانان مسلمان و آشنایی آنان با تاریخ دوست ساله تجددگرایی و اصلاح‌طلبی اسلامی نگاشته شده و خطوط مختلف اصلاحگری و تجددخواهی نیز در آن تشریح شده است.

فصل دوم این کتاب به سید جمال‌الدین اسدآبادی اختصاص دارد. نویسنده در کتاب خود از شیوه تحقیقی و مستند و ارائه منابع و مآخذ استفاده نکرده است، به این علت که قصد نگارش کتاب تحقیقی به سبک رایج را نداشته و می‌خواسته زندگی‌نامه‌هایی از برخی پیشگامان تجددگرایی مسلمان بنویسد؛ از این رو، با طرحی که در این تحقیق دنبال می‌شود و نیازمند مستندات تاریخی است، بسیار متفاوت است.

۲-۳. بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد سالهٔ اخیر، اثر شهید مرتضی مطهری، کتاب دیگری است که در این جستار از آن استفاده شده و می‌توان گفت یکی از پیشینه‌های تحقیق حاضر است. بخش اول این کتاب به شخصیت، اندیشه‌ها و افکار سید جمال اختصاص دارد که بیشتر مباحث مربوط به شخصیت سید در این تحقیق، از این اثر استفاده شده است.

در این فصل، افزون بر ترسیم جغرافیای اندیشهٔ تغییر در میان اندیشمندان شیعه در سه مرحله، بیان مسئله، ضرورت تحقیق، پرسش‌های تحقیق، اهداف این پژوهش و پیشینهٔ تحقیق نیز بررسی و بیان شد. از آنجا که طرح روش تحقیق و مدل تحلیل، این فصل را بیش از اندازه طولانی می‌کرد، به این دو موضوع در فصل بعدی پرداخته‌ام.

فصل دوم

روش تحقیق، چارچوب نظری و مدل تحلیل

طبق شیوه گزارش نویسی تحقیق، محقق باید فصلی را به شیوه گردآوری داده‌ها، چگونگی کسب نتایج به دست آمده و تدبیر و اندیشه‌ورزی در خصوص موضوع تحقیقش اختصاص دهد؛ از این رو، این فصل در سه بخش به این مهم پرداخته است: اول، نوع روش مورد استفاده تشریح شده و در قسمت دوم، چارچوب نظری تحقیق و سرانجام، مدل تدبیر و اندیشه‌ورزی بیان گردیده است.

روش تحقیق

روش در تحقیق حاضر از نوع روش در تحقیقات کیفی است، چراکه این تحقیق، تحقیقی کمی و مبتنی بر آمار و تجربه نیست. تحقیق کیفی به صورت گسترده به هر نوع تحقیقی اطلاق می‌شود که یافته‌های آن از راه فرآیند آماری و با مقاصد کمی سازی به دست نیامده باشد. به سخن دیگر، تحقیق کیفی به معنای هرگونه تحقیقی است که یافته‌ها و نتایج آن برگرفته از ابزارهای آماری یا دیگر روش‌های کمی نباشد. تحقیق کیفی، از ابزارهای تحقیق کمی مانند آمارها و فرضیات استفاده نمی‌کند. این تحقیق، فقط یک سلسله مفروضات در مورد زندگی اجتماعی را به عنوان اهداف تحقیق برمی‌گزیند و با طرح پرسش‌هایی هدفمند، باز و غیر ساختارمند، به کشف واقعیات می‌پردازد.

طبق این تعریف، از آنجا که جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق، از راه فرآیند آماری به دست نیامده است، تحقیق از نوع تحقیقات کیفی به حساب می‌آید؛ به هر حال، طبق این تعریف، تحقیقات مبتنی بر روش کتابخانه‌ای را می‌توان از تحقیقات کیفی به حساب آورد.

در روش کتابخانه‌ای به کتاب‌ها، مقالات و دیگر آثار مکتوب که معمولاً در کتابخانه‌ها موجود است، مراجعه و مطالعه می‌شود و از مطالبی که با موضوعات تحقیق مرتبط است، یادداشت برداری می‌شود. پس از جمع‌آوری اطلاعات به یکی از شیوه‌ها بر روی اطلاعات گردآوری شده، تدبیر و تفکر صورت می‌گیرد که شامل مراحل تصحیح، شرح، تفسیر، استنباط، نقد، تحلیل، مقایسه، تبیین و استنتاج است.

در این تحقیق، ابتدا به مطالعه آثار سید جمال‌الدین پرداخته و از این راه اطلاعات مورد نیاز را جمع‌آوری نموده‌ام. به عبارت دیگر، ابتدا به روش «مطالعه پژوهشی»، به جمع‌آوری اطلاعات دست زده‌ام. روش مطالعه پژوهشی، روش خاصی است که دارای ویژگی‌های متعددی نیز می‌باشد:

– مطالعه پژوهشی، مطالعه‌ای سؤال‌محور یا جهت‌دار است؛ یعنی محقق برای به دست آوردن اطلاعات خاصی به مطالعه می‌پردازد؛ از این‌رو، در چارچوب برنامه مطالعاتی تعریف شده عمل می‌کند.

– مطالعه پژوهشی، مطالعه‌ای عمیق و دقیق است؛ یعنی محقق باید ابتدا مطالب (در این تحقیق، آرا و اندیشه‌های سید جمال‌الدین) و متن را بفهمد و مشخص سازد که این اطلاعات در چه زمینه‌ای از پژوهش یا به کدام‌یک از پرسش‌های پژوهش پاسخ می‌دهد، سپس آن را ثبت کند. برای درست فهمیدن یک متن در مواردی، چندین بار خواندن آن ضرورت دارد و در مواردی نیز باید از دیگران (استادان راهنما و مشاور) کمک گرفت.

– مطالعه پژوهشی، مطالعه‌ای انتقادی است. در پژوهش، تنها جمع‌آوری اطلاعات بدون ارزیابی و نقد، ارزش چندانی ندارد؛ به همین دلیل، در مطالعه پژوهشی، محقق باید به صورت انتقادی با متن روبه‌رو شود و اطلاعات موجود در متن را مطالعه نماید تا هر نوع اطلاعاتی را بدون هیچ ضابطه‌ای، ثبت و ضبط نکند؛ افزون بر این، تشخیص دهد که چه میزانی از اطلاعات متن برای او قابل استفاده است.

بعد از مرحله جمع‌آوری اطلاعات، باید مجموعه اطلاعات جمع‌آوری شده، طبقه‌بندی شود تا از حالت پراکندگی و گسترده‌گی خارج گردد، سپس باید اطلاعات جمع‌آوری شده با توجه به ضابطه‌هایی، مورد ارزیابی بیرونی و درونی قرار گیرد تا اعتبار و حجیت آنها مشخص گردد و در پایان، باید براساس این اطلاعات، استدلال و استنتاج کنیم و نتایج و برداشت‌های خود را ارائه نماییم؛ یعنی به پرسش‌های تحقیق پاسخ دهیم.

به طور مسلم نمی‌توان از انبوه اطلاعات کیفی پراکنده، نتیجه‌گیری کرد؛ بر این اساس، باید اطلاعات جمع‌آوری شده، طبقه‌بندی شوند؛ به همین دلیل، تلخیص و طبقه‌بندی اطلاعات، بخشی از فرآیند تحلیل اطلاعات محسوب می‌شود. در پژوهش‌های کمی به راحتی می‌توان با توجه به شاخص‌هایی همچون میانگین و واریانس، اطلاعات را طبقه‌بندی کرد، ولی در پژوهش کیفی که اطلاعات به صورت الفاظ و جملات است، به راحتی نمی‌توان اطلاعات را طبقه‌بندی کرد و هیچ شیوه علمی تعریف شده‌ای برای حل آن مشکل به شیوه‌ای مقبول وجود ندارد، به این لحاظ درصدد برآمدیم که مسائل را با خلاقیت جدیدی حل کنیم؛ یعنی تلاش کردیم طبقه‌بندی اطلاعات را براساس پرسش‌های تحقیق انجام دهیم.

مرحله بعد، نقد و ارزیابی اطلاعات جمع‌آوری شده است. از آنجا که تحقیق ما یک تحقیق کیفی بود و در تحقیقات کیفی، ما اطلاعات را تولید نمی‌کنیم و فقط با جستجو، اطلاعات موجود را جمع‌آوری می‌کنیم، باید ابتدا اطلاعات را بیابیم، سپس آنها را مورد سنجش قرار دهیم یا اعتباریابی کنیم؛ افزون بر این، به دلیل اینکه ما در تولید، یا کسب این اطلاعات، نقشی نداشتیم، شیوه ارزیابی آنها متفاوت است. به طور کلی در ارزیابی اطلاعات در پژوهش‌های اسنادی و مدارکی، دو نوع ارزیابی باید صورت گیرد: ارزیابی بیرونی و ارزیابی درونی. اما در تحقیق حاضر، ما بیشتر بر نقد درونی، یعنی تعیین معنا و مفهوم اطلاعات می‌پردازیم، چراکه نقدهای بیرونی به وسیله دیگران بر روی آثار سید جمال‌الدین انجام گرفته است.^۱ در نقد درونی، فهم مفردات، ترکیبات و جملات، گردآوری شواهد و قرینه‌ها، یافتن شواهد و در کنار هم قرار دادن اطلاعات مشابه، مورد توجه بوده است.

و سرانجام به تفسیر و استنباط دست زده‌ام. بعد از اینکه در مرحله تجزیه و تحلیل، اطلاعات جمع‌آوری شده را طبقه‌بندی و نقد و ارزیابی کردم، از اطلاعات جمع‌آوری شده، استنباط نموده و نظر خود را ارائه نموده‌ام.

به طور خلاصه، در این جستار، از روش تحلیل متن یا به تعبیر موریس دورژه، روش «کلاسیک»^۲ بهره برده‌ام و مبنای کار بر طبق این روش این‌گونه است که ابتدا پرسش‌هایی

۱. در این مورد می‌توان به مجموعه آثار سید جمال‌الدین که محقق ارجمند، آقای سید هادی خسروشاهی آنها را تصحیح و تقدیم کرده‌اند، رجوع کرد.
۲. دورژه، روش‌های علوم اجتماعی، ص ۱۰۴.

طرح می‌شود و بعد به جستجوی پاسخ آن در متن می‌پردازم. در روش تحلیل متن، ارتباط میان رجوع به متن و نتیجه‌گیری درباره هر مطلب، دو سویه و مکرر است؛ یعنی با طرح پرسش، جستجو در متن را آغاز می‌کنم و پس از مطالعه متن، ممکن است، پاره‌ای قسمت‌های آن، معنای قسمت‌های دیگر را تغییر دهد.

استفاده از روش تحلیل متن، برای فهم نظریه‌های یک نویسنده یا گوینده بر این فرض استوار است که نویسنده یا گوینده در ذهن خود، نظم فکری نسبت به موضوع‌های طرح شده داشته است، اما برای بیان منظم، سیستماتیک و طبقه‌بندی شده مطالب خود، انگیزه‌ای نداشته است. با وجود این، هرگاه با حوادث و یا پرسش‌هایی روبه‌رو شده و یا در مقام تصمیم و عمل قرار گرفته، بر اساس بینش خود اظهار نظر کرده است. محقق در این روش سعی می‌کند، از راه شالوده‌شکنی و تحلیل این آثار، به نظم فکری، نظریه و اندیشه صاحب اثر پی ببرد و با استنادات مورد نیاز، ساختار جدیدی به اندیشه‌های او ببخشد.

شایان توجه است، همان‌طور که در چند صفحه آینده بیان خواهد شد، سید جمال، بیشتر اهل عمل است تا نظریه‌پردازی؛ از این رو، باید از خلال فلسفه اجتماعی طرح شده در آثارش، به شناخت او از پاره‌ای جوانب واقعیت اجتماعی پی‌برد.^۱ در این روش، از بررسی اندیشه‌های سید جمال، به عنوان اندیشه یک صاحب اندیشه که در اصطلاح، روش «منطق بازسازی شده» نامیده می‌شود، پرهیز کرده‌ام، چراکه در آن ممکن بود در ویژگی‌های آن غرق شوم، برخلاف روشی که در پیش گرفته‌ام؛ یعنی روشی که در آن، اندیشه سید جمال به عنوان اندیشه یک «مرد عمل» در نظر گرفته می‌شود.

چارچوب نظری

در پاسخ به پرسش‌های پیش‌گفته، نظریه‌های متعددی در باب علل و عوامل انحطاط جوامع اسلامی ارائه شده است، اما در ابتدا ذهن هر کسی بی‌درنگ متوجه سیاست استعماری دیگران در ارتباط با ما، به عنوان علت و عامل انحطاط می‌شود. این چیزی است که هر کس از انحطاط سخن می‌گوید، بی‌مقدمه به آن می‌اندیشد، در چنین فضای

۱. صدیق اورعی، بررسی تفکر اجتماعی حضرت امام خمینی علیه السلام درباره تغییر جامعه، ص ۲۵-۲۷.

فکری بوده که پاره‌ای از اندیشمندان، دلیل ناهنجاری‌های جوامع اسلامی را استعمار خارجی تشخیص داده و با آن به شدت مبارزه کرده‌اند. به نظر آنان در عصر جدید، عامل استعمار غرب، نقشی مهم در عقب‌نگاه داشتن جهان اسلام داشته است. آنان معتقدند که ضدیت استعمار غرب با جوامع شرقی - اسلامی، ریشه در دشمنی تاریخی میان مسیحیت و اسلام دارد.

این گروه، همچنین به روش‌های نفوذ و سلطه استعمارگران در جوامع اسلامی، مانند تحقیر تعصبات ملی، سرکوب حرکت‌های اصلاحی، استفاده از عوامل نفوذی، تشدید اختلافات محلی و ایجاد «تجزیه اجتماعی» اشاره می‌کنند و مسلمانان را از خطرهای آن آگاه ساخته و آنها را به مبارزه ضد استعماری ترغیب می‌کنند، همان‌طور که تمام اندیشه و نبوغ و نیروی خود را نیز مصروف همین مبارزه می‌نمایند.^۱

اما به تدریج، این فضای فکری تغییر کرد و برخی محققان که در میانشان عده‌ای روشنفکر نیز وجود داشت، به عامل درونی انحطاط توجه کردند.^۲ این گروه، افزون بر عامل بیرونی (استعمار) بر عامل درونی انحطاط و عقب‌ماندگی توجه کرده و به موازات آن، به بررسی و تحلیل عوامل درونی نیز پرداختند. اینان پی بردند که پاره‌ای نابسامانی‌ها، به نوع سیاست و قدرت داخلی جامعه برمی‌گردد. در تلقی این گروه، قدرت‌ها و حکومت‌های توتالیتر، دیکتاتور و استبدادی، بیشتر از هر نوع قدرتی می‌توانند زمینه‌ساز انحطاط جامعه باشند.

اما قدرت و سیاست داخلی جوامع امروزی، دیگر انحصار کنترل و هدایت افراد جامعه را در اختیار ندارند. جهانی شدن، فرهنگ جهانی و یکسان‌سازی فرهنگی هم، نقشی در این میان بر عهده گرفته‌اند. در فرآیند جهانی شدن و یکسان‌سازی فرهنگی، اندیشه افراد یک جامعه و گاهی حتی افراد یک خانواده، در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرد؛ بنابراین، دیگر نمی‌توان به مطالعه عامل سیاسی درون جامعه اکتفا کرد و نسبت به عوامل فرهنگی که در درون جامعه، بر اثر فرآیند یکسان‌سازی فرهنگی جهانی به وجود آمده‌اند و جنبه سیاسی ندارند، بی‌اعتنا باقی ماند؛ از این‌رو، همراه با عامل سیاست و قدرت درونی، انحطاط و عقب‌ماندگی می‌تواند از تغییر فرهنگ درونی

۱. قلی‌پور، «اصلاح جامعه در اندیشه سید جمال»، مجله قسّات، ش ۵ و ۶، ص ۱۹۲.

۲. زیباکلام، عامل انحطاط را درونی می‌داند (ر.ک: ما چگونه ما شدیم: ریشه‌یابی علل عقب‌ماندگی در ایران).

جامعه، یعنی از بی‌توجهی به عقل، باورهای غیر رسمی و خرافی، دوری از حقیقت اسلام، خودکم‌بینی، فقدان روح فلسفی و دانش جدید، و شیوه رفتارهای اجتماعی که در میان افراد اجتماع حاکم است، ناشی شود؛ بدین ترتیب، مطالعات جدیدتر، این مسئله را با توجه به رابطه قدرت و تغییر فرهنگی، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهند.

تبیین در چارچوب‌های نظری پیش‌گفته، اساساً مبتنی بر «فهم رابطه علی» است. نزد نظریه‌پردازان آنها، «فهمیدن» مترادف با «یافتن علت‌ها» است؛ بنابراین، فهمیدن انحطاط برای آنها، چیزی جز جستجوی علت‌های انحطاط نیست.

اما افزون بر چارچوب‌های نظری پیش‌گفته، از منظری دیگر می‌توان انحطاط را در چارچوب ساختارگرایی نیز مطالعه کرد. در این نگرش، انحطاط نتیجه ساختارهایی است که کارکردشان در قید هنجارها، نقش‌ها، منزلت‌ها و سلسله‌مراتب سازمانی است؛ برای مثال، دیوان‌سالاری و انعطاف‌ناپذیری‌هایش، سبب می‌شود که سازمان‌های متکفل تکامل اجتماعی، نتوانند به‌طور شایسته، پاسخگوی جامعه‌ای باشند که در حال تحول سریع است. در این وضعیت، انحطاط، نتیجه کارکرد ساختار و سازمان‌های اجتماعی است. نگرش در این چارچوب، کاملاً سازمانی است. موضوع، عبارت است از دانستن اینکه ساختارها و سازمان‌های اجتماعی، خوب عمل می‌کنند یا نه، آیا برنامه‌ها درست

اجرا می‌شوند؟ نقش سازمان‌های اجتماعی در انحطاط و تکامل جامعه چیست؟

تمام چارچوب‌های نظری پیش‌گفته، کلی‌نگر و به عبارتی اجتماعی است، اما می‌توان یک چارچوب جزئی‌نگر و فردگرایانه برای انحطاط نیز در نظر گرفت. در این تلقی، انحطاط، زاییده بی‌هویتی تک‌تک افراد جامعه بر اثر تغییر فرهنگ درونی، به دلیل ورود ابعاد مختلف فرهنگ بیگانه در جامعه خودی است. در این نگرش، طرح نظری مسئله تحقیق عبارت است از پرسش درباره عوامل آشکار و پنهان، آگاهانه و ناآگاهانه‌ای که در بی‌هویتی افراد جامعه، به‌خصوص جوانان و به دنبال آن، انحطاط جامعه دخالت دارند. افراد جامعه به نوبه خود، از فرجه آزادی عمل برخوردارند که از آن به شیوه خود و در چارچوب طرحی شخصی استفاده می‌کنند. خلاصه در این نگرش، افراد جامعه به عنوان ظرف منفعل انحطاط که دیگران، فرهنگ جهانی یا تغییر فرهنگ درونی، ساختار جامعه و... آن را پر می‌کنند و مهارش را به‌طور کامل در اختیار دارند، دیده نمی‌شود. هویت و شخصیت افراد جامعه به عنوان یک عامل فعال، ابراز وجود می‌کند و

درصد کسب نظام ارزش‌های مخصوص به خود است که می‌تواند انتخاب‌هایش متفاوت از ارزش‌های اولیایش و گاهی مخالف و متعارض با آنها باشد. آنچه برای اولیای آنان، عامل انحطاط است می‌تواند برای نسلی دیگر، تنها یک تجربه جالب باشد؛ در این صورت، انحطاط و عوامل آن، امری نسبی می‌شود و با مسئله نظری دیگری پیوند می‌خورد که همان مسئله کنشگر اجتماعی است. در این طرح نظری، مسئله انحطاط می‌تواند یا تجربه‌ای جالب یا طرحی شخصی باشد و یا تظاهر در رد یک نظام اقتدارطلب که بی‌هویتی در آن، معقول‌ترین خط مشی برای طرد شدن از آن نظام است.

در این نگرش، تبیین انحطاط اساساً مبتنی بر فهمیدن معنا، انگیزه، و باورهایی است که افراد برای رفتارهایشان قائل‌اند. این معنا را باید در وجدان افراد جستجو کرد و آن، امری درونی است. برای کشف آن باید از مجاری عقاید فردی عبور کرد و در اصول و ارزش‌هایی که رفتارها و کنش‌های افراد را هدایت می‌کند، جستجو کرد.

در پایان این بخش و در یک جمع‌بندی می‌توان میان عوامل درونی انحطاط (انحطاطی که از درون جامعه نشئت می‌گیرد)، و عوامل بیرونی آن (انحطاطی که از برون جامعه برمی‌خیزد)، تفکیک قائل شد. به بیان دیگر، باید بررسی کرد که انحطاط از کجا آغاز شده است؟ جوامع می‌توانند دستخوش دو نوع انحطاط شوند: یکی انحطاطی که سبب آن درونی است، مانند ضعف هنجارهای اخلاقی، ضعف یا شدت همبستگی، ضعف باورها و اعتقادات دینی و نحوه عملکرد سیاسی (استبداد)؛ دیگر، انحطاطی که عواملش بیرونی است که منشأ آن، خارج از جامعه است، مانند تجاوز دولت‌ها به کشور و یا دخالت‌های سیاسی و فرهنگی. یک دسته از این نظریه‌ها، علت و عامل انحطاط را سیاسی و پاره‌ای دیگر، آن را فرهنگی و تعدادی اقتصادی می‌دانند. نظریه‌هایی که عامل انحطاط را سیاسی می‌دانند، خود بر دو دسته‌اند: بعضی عامل را سیاست داخلی و پاره‌ای دیگر، سیاست خارجی را عامل انحطاط برشمرده‌اند. عامل سیاست داخلی مانند بی‌کفایتی حاکمان و عامل سیاست خارجی مانند استعمار. نظریه اندیشمندان سنتی برای تبیین انحطاط جوامع اسلامی، بیشتر بر عامل مسلط سیاست، اعم از داخلی (استبداد) و خارجی (استعمار) متمرکز است، اما تبیین انحطاط، نزد بیشتر روشنفکران، چه دینی و چه غیر دینی، بر عامل فرهنگی تأکید دارد؛ از این رو، راه برون‌رفت از انحطاط

نزد سنتی‌ها، مبارزه سیاسی با حاکمان مستبد و قدرت سیاسی و یا استعمارگران است و نزد پاره‌ای روشنفکران، راه آن، احیای مجدد معرفت دینی است. در این میان، متجددمآبانی هم بوده‌اند که اسلام را علت‌العلل انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمانان تلقی کرده‌اند. از دیدگاه این گروه، عامل مسلط انحطاط، اسلام است که دینی است مروج تعبد و تعصب و تحریم‌کننده فلسفه، تعقل و پژوهش آزاد فکری و علمی. این گروه از اندیشمندان مقلد غرب، در کوره ستیز با اسلام، به عنوان اصلی‌ترین عامل انحطاط می‌دیدند. این گروه، راهکار جلوگیری از انحطاط را در تقلید مطلق از غرب و کنار نهادن دین و آیین خود می‌دیدند. از نظر نگارنده، انحطاط یک جامعه به عوامل درونی، به‌ویژه عوامل فرهنگی برمی‌گردد و عوامل بیرونی، زمانی مؤثر واقع می‌شود که افراد جامعه بر اثر ضعف بنیان‌های اعتقادی و اخلاقی، ناتوان شده باشد.

انحطاط اجتماعی

نظریه‌پردازی در مورد انحطاط اجتماعی برای کسی امکان دارد که به تکامل اجتماعی می‌اندیشد، چراکه نظریه‌پردازی در باب انحطاط، عرصه فلسفه تاریخ است که با انسان‌شناسی و جهان‌بینی خاص او کاملاً پیوند دارد؛ از این رو، هر متفکری که در مورد انحطاط جامعه، گفتار یا نوشتاری از خود برجای گذاشته است، به‌طور قطع در باب تکامل نیز، نظریه یا اندیشه‌ای دارد که در صورت عدم تحقق آن، چگونگی و چرایی انحطاط جامعه برای او مسئله شده است؛ از این رو، اگر برای متفکری، تکامل جامعه مطرح نباشد، وضعیت جامعه را نیز اسفبار نمی‌بیند و به انحطاط جامعه، راه‌های برون‌رفت از آن و اصلاح آن نیز نمی‌اندیشد.

به دلیل پیوند نظریه انحطاط با نظریه تکامل و انسان‌شناسی، دستیابی به علت‌شناسی سید از انحطاط، دیریاب، و به همین دلیل، کار دشواری است. چند دلیل را می‌توان برای دیریابی نظریه سید جمال در باب انحطاط بیان کرد: یک دلیل این دشواری این است که سید جمال در طول نزدیک به سی سال نوشتن و گفتن درباره تکامل و انحطاط، از علل و عوامل گوناگونی سخن گفته است. دلیل دوم اینکه وی در برخی جاها به مقتضای روز و با انگیزه‌های زودگذر و سیاسی سخن گفته و هدفش، بیشتر دستیابی به

هدف‌های آنی سیاسی بوده است، و سومین دلیل، اندیشه پویای سید جمال است. سید در طول عمر، پذیرای تحول فکری شدید بود.

استخراج تبیین سید جمال از انحطاط جوامع انسانی به طور کلی و جوامع اسلامی به طور خاص، کار ساده‌ای نیست. از آنجا که نظریه‌پردازی در باب انحطاط، عرصه فلسفه تاریخ است که با انسان‌شناسی و نظریه تکامل کاملاً پیوند خورده است، در ادامه به طور مختصر، به انسان‌شناسی و نظریه تکامل سید جمال‌الدین اشاره می‌شود.

انسان‌شناسی

سید جمال بر مفهوم اختیار و آزادی انسان و نفی اندیشه جبری تأکید می‌کرد؛ به همین دلیل، به انسان به عنوان عامل سازنده تاریخ می‌نگریست و انسان و فطرت انسانی را زیربنای همه تحولات تاریخی می‌دانست.^۱

به باور سید، انسان فطرتاً به گونه‌ای آفریده شده است که اگر از حد اعتدال خارج نشود، پیوسته رو به تکامل و تعالی می‌رود. در پیمودن این راه یا انحراف از آن و رفتن به سوی انحطاط و زوال، خداوند او را آزادگذارده است. از نظر سید، خداوند هر آنچه را، انسان برای تکامل نیاز داشته، در فطرت و طبیعت او قرار داده و تکامل همیشگی انسان را بر اساس مقتضیات فطری و طبیعی تضمین کرده است. پس تکامل همیشگی انسان، قانون و سنت الهی است که از درون انسان و از فطرت او نشئت می‌گیرد؛ به همین دلیل، دخالت خدا در تاریخ، نه دخالت مستقیم و نفی‌کننده اختیار و اراده انسان، بلکه دخالتی با واسطه مقتضیات فطرت انسانی و طبیعت است که با قانون تاریخی و سنت الهی یگانه‌اند.

سید در مقالات متعددی، از امیال، گرایش‌ها، نیروها و خواسته‌هایی، چون برتری‌جویی و شهرت‌طلبی و آرزومندی، به عنوان علل و عوامل اصلی تکامل و تعالی انسان و جوامع انسانی یاد کرده و با استناد به آموزه‌های اسلامی و آیات قرآنی، چنین نتیجه گرفته است که اگر امت یا ملتی به جای تکامل و تعالی، رو به قهقرا و انحطاط می‌رود، در حقیقت مسئولیت به گردن خود اوست و باید علتش را در درون خود بجوید.

۱. اسدآبادی، «عجب و تکبر»، مقالات جمالیه، ص ۱۵۲؛ همچنین مقاله «اسباب حقیقیه سعادت و شقای انسان»، مقالات جمالیه، ص ۱۲۵ و ۱۳۲.

به طور خلاصه، عامل محرک تاریخ از نظر سید، خواسته‌ها، امیال و آرزوهای فطری و جوهری انسان است، به شرط اینکه در راه اعتدال باشد و از افراط و تفریط بپرهیزد. این امیال و خواسته‌ها و آرزوها، به شرطی اعتدال خواهند یافت و به مثابه عامل محرکه انسان و تاریخ، عمل خواهند کرد که زیر سلطه عقل^۱ باشند؛ در غیر این صورت، انسان را از راه اعتدال خارج کرده، او را رو به انحطاط می‌برند.^۲ به نظر سید، عقل، سلطان وجود آدمی است، منتها آنچه می‌تواند هدایتگر عقل و حافظ آن از خطا باشد، شناخت فطرت انسانی است.

قانون و سنت خدا، تکامل است و تقدیر الهی برای انسان، چیزی جز خیر نخواسته است، اما سقوط و انحطاط، استثناست، و چیزی نیست جز تخلف از سنت الهی و تجاوز از جاده اعتدال و عمل برخلاف مقتضیات فطرت و طبیعت و قانون تاریخی، پس هر شرّی به انسان می‌رسد از خود اوست و خدا به هیچ‌کس و هیچ قومی ستمکار نیست.^۳

شایان توجه است که سید در موارد متعددی،^۴ ثبات نظام اجتماعی را بر ویژگی‌های فردی مانند حیا، امانت و صداقت مبتنی می‌داند؛ از این رو، گرایش شدیدی به فردگرایی روش‌شناختی دارد. از آنجا که تکامل اجتماعی و سلامت جامعه در نظر سید، بر این سه ویژگی مبتنی است و این ویژگی‌ها از اوصاف فردی افراد جامعه است، انحطاط جوامع نیز به انحطاط این ویژگی‌ها در نفس افراد جامعه و انسان‌ها برمی‌گردد؛ در نتیجه، اصلاح اجتماعی نیز باید با اصلاح افراد جامعه و ایجاد این اوصاف در نفس آنها، تحقق یابد و این دقیقاً همان اصلاح از پایین یا اصلاح فرهنگی است که عبده بر آن تأکید می‌کرد و سید نیز در اواخر عمر به آن اذعان کرد.

۱. «علت حقیقی و سبب اصلی سعادت تامه هر امتی از امم، عقل و بصیرت و نزاهت و اعتدال اخلاق آن امت است و باعث شقا و موجب پریشان‌حالی آن، زوال آن علت است» (اسدآبادی، «فواید جریده»، مقالات جمالیه، ص ۱۰۶).

۲. همو، مقاله «اسباب حقیقیه سعادت و شقای انسان»، مقالات جمالیه، ص ۱۱۹-۱۳۳؛ همچنین ر.ک: «کم حکمة الله فی حبّ المحمّدة الحقة»، «الوحدة والسیادة»، «الامل و طلب المجد»، «الجبن»، عروة الوثقی (نقل از: رحمانیان، تاریخ علت‌شناسی انحطاط و عقب‌ماندگی ایرانیان و مسلمین، ص ۱۲۹).

۳. همان‌جا.

۴. ر.ک: ترجمه‌الرد علی دهرین، در کتاب: حلبی، زندگانی و سفرهای سید جمال‌الدین، ص ۱۴۲.

نظریهٔ تکامل

می‌توان با مرور بر آثار برجامانده از سید، ادعا کرد که محور اساسی‌ای که آثار وی بر محور آن سامان یافته و به کلام و قلم وی جهت داده و آنها را هماهنگ نموده است، بررسی چرایی عدم تکامل و علل انحطاط جوامع اسلامی، یعنی نشانه‌ها و ماهیت دردهایی است که تمدن اسلامی را آزار می‌دهد. از آنجا که سید جمال، مسئلهٔ انحطاط جوامع اسلامی و راه‌های برون‌رفت از آن را، با اهمیت تلقی می‌کرد، متفکری تکامل‌گراست. در این بخش تکامل‌گرایی سید از دو جهت، مورد توجه است: نخست: در حال تکامل بودن پیوسته اندیشهٔ وی و دیگر، نظریه‌پردازی در باب تکامل. از این رو، مهم‌ترین بخش اندیشهٔ سید جمال‌الدین که جوهر نظریهٔ انحطاط او نیز بود، فلسفهٔ تکامل است.

پویایی، نوجویی پیوسته و همیشگی معرفتی و فکری، تکامل معرفت‌شناسانهٔ سید است. این فلسفه، چون دیگر مفاهیم جدید از غرب برآمده است. از سدهٔ هفدهم، پیشرفت دانش و فن و پیروزی انسان در عرصه‌های گوناگون علم و سیاست و اقتصاد، چشم‌انداز تکامل بی‌پایان را فرادید دانشمندان آورد. علم که مجموعه‌ای از سنت‌های انباشته و تجربه‌های آزموده و روشمند، تلقی می‌شد و حرکت آن از سادگی به دقت و پیچیدگی و از محدودیت به گستردگی و فراگیری، ره کمال می‌پیمود، ذهن اندیشمندان عصر روشنگری را متوجه پیشرفت روزافزون و نامتناهی کرد. ظهور اندیشهٔ تکامل در ذهن سید جمال‌الدین، محصول بیداری روشنفکرانهٔ وی بود که در قیاس با جهان پیشرفته، به انحطاط و عقب‌ماندگی جوامع اسلامی پی‌برد و شکستن سنت‌ها، اصلاح ساختار حکومت و متحول ساختن آن را به حاکمیت قانون دید. وی در تأملات و اندیشهٔ خود، اصل پویایی را جانشین سکون و افسردگی موجود کرد. این بازنگری و بازاندیشی، رویکرد به فلسفه و نظریه‌پردازی در باب تکامل را در پی داشت.

سید جمال در نظریه‌پردازی و فلسفهٔ تکامل خود، سرانجام سیر تکامل جامعهٔ بشری را تحقق مدینهٔ فاضلهٔ جهان شمول می‌دانست که انسان در آن به صلح و امنیت و آرامش می‌رسد و انسان‌ها، اختلافات خود را در پرتو آن جامعه، حل و فصل خواهند کرد. طبق فلسفهٔ تکامل که چیزی را باید با ضدش شناخت، نوجویی و پیشرفت باوری سید جمال‌الدین هم، نفی راه و رسم کهنهٔ جامعه است.

نوجویی و اندیشه تکامل‌گرایی سید جمال‌الدین، او را مانند دیگر روشنفکران، به نگرش خوش‌بینانه به آینده جوامع اسلامی وا می‌داشت، چون نوجویی و تکامل‌باوری در صدد انکار و برانداختن رسم کهنه جامعه است؛ از این رو، در مقالات متعددی از عروۃ الوثقی، به نمایان‌ترین نماد کهنه‌پرستی و تحجر، یعنی انحراف فکر دینی می‌تازد.

سید جمال‌الدین با عقیده روشنفکران شرقی سده‌های میانه که در مورد جامعه، به تکامل مرحله‌ای باور داشتند، موافقت داشت. طبق این ایده، ملت‌ها و کشورها در روند تکامل خویش از مراحل زایش، شکل‌گیری و پیشرفت می‌گذرند و به مرحله رکود و انحطاط می‌رسند.^۱ باید دانست که مرحله اول حیات یک جامعه، کمتر از پنج قرن نیست. پس از این پنج قرن، مراحل دیگر حیات جامعه شروع می‌شود. مرحله اول که سن طفولیت آن جامعه و قوم است، کوتاه می‌باشد. پشت سر آن، مرحله کمال جامعه می‌رسد. این مرحله در بالا بردن مقام امت‌های بینا و آگاه و همت‌های دانشمندان آن قوم و جامعه، مقام شامخی دارد. هنگامی که احساس و ادراک افراد یک امت به آن حد برسد، می‌بینی همت‌های عاقلان آن قوم بالا می‌رود و اخلاق آنان رشد می‌کند، تا شروع به اقدام و عمل می‌نمایند و دارای عزم و اراده قوی می‌گردند و آن عزم و اراده، آنها را به سوی مجد و بزرگی، رهبری و هدایت می‌کند، همه افراد آن ملت، تنها در فکر نیرومندی و غلبه و سیادت می‌شوند. همت‌های افراد آن قوم با هم تلاقی می‌کند و اراده‌هایشان به هم می‌پیوندد، تا با هم در راه طلب و عمل قدم بردارند، پس آنان برای غلبه بر کسانی که به دنبال آنان هستند با هم تلاش می‌کنند، مانند سیل‌هایی که زمین‌های پست را فرا می‌گیرند و هموار می‌کنند. آنان نیز ملت‌های دیگری را مطیع خود می‌سازند، حرکت و تلاش آنان تا رسیدن به مرحله آخر و هدف نهایی متوقف نمی‌شود. احساس آنان نسبت به امت‌های دیگر پس از غلبه نخستین ناخودآگاهانه، فقط برای دفع کردن آنهاست. در این احساس، به فکر و اندیشه نیازی ندارند، فکرشان را فقط درباره تهیه و وسایل نیل به پیروزی در غلبه به کار می‌اندازند و با هم مشورت می‌کنند.^۲

سید جمال، نمایانگر یک تغییر فکری و جهشی اندیشه‌ای است که او را به دنیای مدرن انتقال می‌دهد. وی برخلاف فلاسفه درگیر در بحث‌های جدلی و صوفیان غرق در

۱. لوین، اندیشه‌ها و جنبش‌های نوین سیاسی اجتماعی در جهان غرب، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

۲. اسدآبادی، مجله‌های سید جمال‌الدین، ص ۱۹۱-۱۹۲.